



منصب ناظر بیوتات در دوره صفویه (از شاه عباس اول تا سقوط صفویه)

پدیدآورده (ها) : نژد نجفیان، محمد امین؛ مهدوی عباس آباد، محمدرضا
تاریخ :: پژوهش های تاریخی :: تابستان 1389 - شماره 6 (علمی-پژوهشی/ISC)
از 115 تا 136
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/992005>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان
تاریخ دانلود : 27/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان

دوره جدید، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۳۴-۱۱۵

منصب ناظر بیوتات در دوره صفویه (از شاه عباس اول تا سقوط صفویه)

محمدامین نژد نجفیان* محمدرضا مهدوی عباس‌آباد**

چکیده

ناظر بیوتات، از جمله مناصب ابداعی صفویان است. این منصب را در تقسیم بندی دیوانسالاری آن دوره می‌توان جزو مناصب درباری و تشکیلات سلطنتی به شمار آورد، که البته مانند سایر مناصب دوره صفوی دارای کارکردهای دیگری - به خصوص اداری و در برخی موارد نظامی - هم بوده است. این منصب که از اوایل تأسیس سلسله صفوی پدید آمده بود، پس از اصلاحات اقتصادی شاه عباس اول - که تأثیر خود را در بیوتات سلطنتی هم برجای گذاشت - در دوره شاه عباس اول از اهمیت بیشتری برخوردار شد.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که در دوره صفوی، بیوتاتی (کارگاه‌هایی) وجود داشت که ملزومات دربار، اعم از خوراک و پوشاک و تسلیحات نظامی و اماکن و... را فراهم می‌نمود. هر کارگاه صاحب جمع (رئیس) و مشرف (بازرس) داشت و ناظر بیوتات برکل این کارگاه‌ها نظارت عالی می‌نمود و در حقیقت، سرپرست کل کارگاه‌های سلطنتی و ناظرکل دستگاه سلطنت صفوی و رئیس بخش خاصه دیوانسالاری صفوی بوده است. باید توجه داشت که بیوتات سلطنتی دوره صفوی از ساختاری پیشرفته و مترقی برخوردار بوده و برای شاه و دولت صفوی منافع زیادی داشته است.

سؤال اصلی این تحقیق، این است که ناظر بیوتات در دوره صفوی از چه جایگاه، موقعیت و مسؤولیت‌هایی برخوردار بوده و بیوتات سلطنتی به عنوان اصلی‌ترین حوزه کاری ناظر بیوتات، چه کارکردهایی داشته و از چه ساختاری برخوردار بوده است؟

در مورد بیوتات سلطنتی و وظایف ناظر بیوتات در منابع دوره صفوی، به خصوص سفرنامه‌ها و منابع اداری، مطالبی چند وجود دارد.

واژه‌های کلیدی

صفویه، بیوتات سلطنتی، ناظر بیوتات، صاحب جمع، مشرف.

* کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه تبریز anazhdenajafian@gmail.com

** مربی معارف اسلامی، دانشگاه تبریز mahdavi@tabrizu.ac.ir

مقدمه

منصب ناظر بیوتات را می‌توان از جمله مناصب درباری و تشکیلات سلطنتی دیوانسالاری دوره صفوی محسوب کرد. همچنین، این منصب از جمله مناصب ابدعی صفویان بوده است که در حقیقت، سرپرست کل بیوتات سلطنتی (کارگاه‌هایی که در دوره صفوی ملزومات دربار را فراهم می‌کردند) بوده است. این تحقیق در پی پاسخ به سؤالهای زیر بوده است: ناظر بیوتات چه وظایفی داشته و در دیوانسالاری صفویان از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟ (این پرسش در دوره اوج کار بیوتات سلطنتی - نیمه دوم سلطنت صفوی - بررسی شده است) چرا در این دوره این منصب اهمیت یافت؟ هر یک از بیوتات سلطنتی چه وظایفی بر عهده داشته‌اند؟ ساختار کلی بیوتات سلطنتی در این دوره چگونه بوده است؟ قطعاً پاسخ به این سؤالها هدف اصلی این تحقیق است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات براساس روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

در مورد پیشینه تحقیق هم باید اشاره کرد که در مورد دیوانسالاری صفویان، تحقیقات ارزشمندی توسط محققانی، چون ولادمیر مینورسکی، راجر سیوری، ویلم فلور و دیگران صورت گرفته است، اما تاکنون تحقیق مستقلی درباره منصب ناظر بیوتات انجام نشده است.

در این پژوهش، از منابع دست اول و تحقیقی چندی استفاده کرده‌ایم. در میان منابع دست اول درباره این موضوع، باید توجه داشت که در منابع دوره صفوی - منابع اداری و برخی از سفرنامه‌ها و منابع سلسله‌ای - مطالبی در این باره وجود دارند که از آنها استفاده شده است.

نگاهی به بیوتات سلطنتی و منصب ناظر بیوتات تا

پیش از دوره شاه عباس اول

با آن که اصطلاحاتی مانند «اهل البیوتات» در منابع اوایل عصر اسلامی - دودمانهای کهن ایرانی که ریاست برخی ادارات دولتی را برعهده داشتند - و «بیوتات» - به مفهوم دوایر خدماتی نزدیک به دستگاه سلطنت در دوره سلجوقی - در دوره قبل از سلطنت صفویه وجود داشت، اما این تعبیر به این مفهوم خاص از اوایل عهد صفوی رواج یافت (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۴۶۹). به تبع آن منصب ناظر بیوتات هم در دوره صفوی پدید آمد و به تدریج به یکی از مناصب مهم کشوری تبدیل گردید، که این امر با بررسی منابع مختلف این دوره روشن می‌شود. در دوره سلطنت شاه اسماعیل اول، در برخی منابع اشاراتی وجود دارد که مبین این نکته است که در این دوره، بیوتات سلطنتی - به معنای خاص کلمه - پدید آمده است. البته، عنوان منصب ناظر بیوتات، چندان در منابع مورد اشاره نیست (به وفور دوران شاه عباس اول تا پایان صفویه). البته، در کتاب *عالم آرای شاه اسماعیل*، در ماجرای ورود شاه اسماعیل به بغداد و شرح همراهان وی، از یاراحمد خوزانی با عنوان ناظر بیوتات ذکر شده است (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۶۴). باید توجه داشت که یاراحمد خوزانی با لقب «امیرنجم ثانی» در منابع با عنوان «وکیل» معروف است (سیوری، ۱۳۸۰: ص ۷۲). بنابراین، از اینجا می‌توان این نکته را استنباط کرد که منصب و عنوان ناظر بیوتات در اوایل دوره صفوی، هنوز از اهمیت و اشتها چندان برخوردار نبوده است.

و در حقیقت دهه‌های ابتدایی قرن یازدهم قمری دوران شکوفایی اقتصادی ایران - در کنار اقتدار سیاسی و نظامی - محسوب می‌شود. ثبات سیاسی و امنیت داخلی موجب آن شد که اقتصاد ایران در این دوره در مسیر ترقی و شکوفایی قرار گیرد. توصیفات سفرنامه‌ها از این دوره، حاکی از رشد و رونق حرفه‌ها و پیشه‌ها و تحول عظیمی است که در کار آن‌ها صورت گرفت. با نگاهی به منابع مشخص می‌شود که کوچاندن صنعتگران ماهر جلغا به اصفهان، آوردن صنعتگران و استادکاران چینی ساز از چین به اصفهان، احداث کارگاه‌های بی‌شمار صنعتی، رسیدگی دقیق به اصناف، همه و همه در رشد اهل حرفه و پیشه در این دوره تأثیر داشته و شکوفایی بیوتات سلطنتی هم در این جهت بوده است. البته، با وجود افول اقتصاد ایران در دوره پس از شاه عباس اول، با فراز و نشیب‌هایی تا پایان دوره صفوی این بیوتات به حیات خود ادامه دادند و این منصب هم پابرجا بود که نمایانگر نقش حیاتی این تشکیلات در ساختار اقتصادی ایران و حکومت صفوی بوده است.

درباره زمان پیدایی این منصب ظاهراً این منصب با این مختصات از دوره شاه اسماعیل اول صفوی وجود داشته است. البته، توصیفات منابع مبین آن است که از دوره شاه عباس اول به بعد اهمیت و نفوذ دوچندانی پیدا می‌کند.

درباره چرایی ایجاد این منصب هم می‌توان گفت روشن است که با بسط و گسترش دوایر، کارگاه‌ها و مراکز تهیه و تولید ملزومات دربار، لازم بود تا فردی کاردان و مورد اعتماد شاه در رأس آنها قرار گیرد تا آنها بتوانند با نظم و ترتیب به فعالیت خود ادامه دهند. بنابراین، وجود بخش‌هایی چون خزانه، قورخانه و توپخانه در میان بیوتات اهمیت فوق‌العاده آنها را از

در کتاب «فتوحات شاهی» اثر «امیر صدرالدین ابراهیم امینی هروی» که از منابع مهم دوره شاه اسماعیل اول است، با آن که ذکری از این منصب نشده، اما اشاراتی به جایگاه بیوتات سلطنتی شده است. در این کتاب در جاهای مختلف از «خازنان گرک یراق بیوتات» نام برده شده است که به عنوان عمال و کارپردازان بیوتات سلطنتی شاه اسماعیل اول به تهیه ملزومات مختلف دربار اقدام می‌نمودند و در کنار آن شیوه کار استادان مختلف فنون و حرف که برای دربار کار می‌کردند، آمده است (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۱۱-۲۱۲ و ۲۱۵). برای نمونه: «...گرک یراقان جهت جمع اقمشه به هر طرف تاختند و معتمدان برای سرانجام ذبایح مردم به هر جانب پریشان ساختند. استادان زردوز بر چهره زیبای دیا به نوک سوزن طلااندوز شدند و مهندسان زرگر پیکرهای کمر شمشیر و کمر خنجر را به تاب شعله آذری و آب خالص جعفری چهره اندوز گردیدند. حکم استادان خیاط چون نص قاطع به لباس اقمشه و امتعه جاری شد...» (همان: ۳۲۶-۳۲۷).

در دوره شاه تهماسب هم ظاهراً تشکیلات بیوتات سلطنتی وجود داشته است. «وینچتو دالساندری»^۱ از و نیزیانی که در این دوره به ایران سفر کرده بود، در بخشی از سفرنامه‌اش اشاره دارد که: «این پادشاه [تهماسب] از مشرق پارچه بوسکاسینی و از خراسان مخمل و دیگر پارچه‌های ابریشمی و از حلب پارچه‌های پشمی خواست و فرمان داد که از آنها جامه بدوزند و آنها را به ده برابر قیمت به سپاهیان فروخت...» (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹: ۴۳۹-۴۴۰).

جایگاه و وظایف ناظر بیوتات^۲

ایران در دوره شاه عباس اول به کشوری پررونق تبدیل شد

جنبه‌های مختلف اقتصادی و نظامی می‌رساند. با بررسی منابع آن دوره، این نتیجه گرفته می‌شود که به احتمال قوی وجود هماهنگی و تسریع در انجام امور بیوتات - که در بسیاری از جاها وابسته به همدیگر بودند - دیگر عامل قابل توجه در ضرورت انتصاب یک نفر در رأس آنها می‌تواند باشد.

ناظر بیوتات، سرپرست کارگاه‌های سلطنتی و درحقیقت "ناظرکل" دستگاه سلطنت بود. شاردن او را اولین مأمور سلطان و پیشکارکل امور مالی وی و ناظرخرج دستگاه سلطنتی و عایدات و اموال شاه - اعم از منقول و غیرمنقول و آنچه در خزانه وارد و خارج می‌شود - می‌داند (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۴۱). در حقیقت، می‌توان گفت که - پس از به وجود آمدن بخش خاصه در دیوانسالاری صفوی - ناظر بیوتات رئیس بخش خاصه دیوانسالاری صفوی به شمار می‌رفته است. وی حتی به برخی از امور اداری با مشارکت وزیراعظم رسیدگی می‌کرده است، چون وی در امور مداخله داشته که مستقیماً با منافع سلطان مرتبط بوده و مقام ناظر مقام ذی نفوذی بوده است. برای مثال، در دوره شاه عباس دوم، ناظر بیوتات به آن اندازه از قدرت رسید و امور مربوط به وزیر اعظم را تحت نظارت خود گرفت که وزیراعظم از بسیاری از امور مربوط به خود بی اطلاع بود (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۹۰). ناظر بر تمام بیوتات (کارگاه‌های سلطنتی و صندوق خانه^۳ و جبا خانه^۴ و املاک خالصه و ایلخی‌های^۵ پادشاه ریاست و نظارت می‌کرد و رسیدگی به امور درباری از جمله وظایف وی بود؛ به گونه‌ای که از وی با عنوان "رئیس دربار" هم نام برده شده است (فلسفی، ۱۳۷۱: ۸۱۱).

در واقع، می‌توان گفت که تشکیلات کارگاه‌های سلطنتی را دایره مجزایی به ریاست ناظر بیوتات اداره می‌کرد. البته، اموری که تحت نظر وی بوده، متنوع بوده‌اند و می‌توان آنها را این گونه تقسیم بندی کرد: ۱- تعیین و برآورد بودجه و اعتبار مورد نیاز بیوتات؛ ۲- تعیین قیمت اجناس و مهر و امضای «قیمت نامچه» و تعیین خوراک مورد احتیاج کارگاهها؛ ۳- نظارت عالی روزانه بر هزینه‌های کارگاهها؛ ۴- پرداخت مواجب کارکنان کارگاهها؛ ۵- حفظ و حراست عماراتی که به بیوتات سلطنتی وابسته بودند؛ ۶- نظارت عمومی بر مخارج طولیه‌های سلطنتی و قورخانه (سیوری، ۱۳۸۴: ۱۶۴).

در مورد نظارت ناظر بر جبادارباشی - صاحب جمع قورخانه - برای مثال آمده است: «و سبب سقوط جبادار باشی از نردبان عزّ و شأن آنکه، در ایام اقتدار مشارالیه در امر صاحب جمعی جباخانه خاصه شریفه بنای کار خود را بر خیانت و ناراستی نهاده داد، ربایندگی در اموال خاصه شریفه داده بود... صورت حال را صفی قلی بیک ناظر بیوتات به انهای کارکنان و عمله سرکار مذکور به عرض همایون [شاه عباس دوم] رسانیده، مقرر گردید که ناظر مذکور به اتفاق ارکان دولت ابد مقرون تحقیق امور مذکور نموده، صدق و کذب ربایندگی و خیانت وی را معروض گردانند...» (واله قزوینی، ۱۳۸۰: ۶۰۹). این واقعه مربوط به سال ۱۰۶۸ ه.ق. است و از آن نظارت عالی ناظر بیوتات بر صاحب جمعیان (رؤسای) بیوتات - که اصلی‌ترین وظیفه ناظر بیوتات بود - مستفاد می‌شود.

میرزا سمیعا که از دیوانیان اواخر عصر صفوی است و کتاب تذکرة الملوك را برای آشنایی اشرف افغان با امور

در کتاب **دستورالملوک** هم مطالبی درباره این منصب آمده است، که با وجود مشابهتی که با تذکره الملوک دارد، به خاطر پاره‌ای تفاوت‌ها ذکر می‌گردد. محمدرفع انصاری، معروف به *میرزا رفیعا* نویسنده این کتاب از دیوانیان دوره شاه سلطان حسین صفوی بوده است و کتاب وی از مهمترین منابع دیوانی دوره صفوی است. در فصل هفتم از باب دوم این کتاب راجع به ناظر بیوتات آمده است: «مشارالیه از جمله امراست و تمامت دادوستد بیوتات باید به تعلقه و اطلاع و استحضار و صلاح و صوابدید مشارالیه به عمل آید. اکثری از صاحب جمعان بیوتات و تمام عملة بیوتات و عمارات و باغات اصفهان و سایر ممالک محروسه، عملة یخچالها^{۱۵} و حمامها^{۱۶} و به تجویز و تصدیق مشارالیه که عرض و به رقم دیوان رسیده باشد، تنخواه^{۱۷} داده می‌شود و سرانجام نمودن^{۱۸} مایحتاج و ضروریات سفر و حضر از اقمشه و البسه و ماکول و مشروب و خلایع فاخره و غیرهم و برآورد اخراجات سالیانه همگی بیوتات معموره و بازیافت تحویل صاحب جمعان بیوتات و اتمام اقمشه و ملاحظه پیشکشها و وصول وضبط انفادات^{۱۹} بیوتات و تشخیص محاسبات آنها و ابتیاع اجناس از قرار تسعیرنامجات^{۲۰} به مراعات صرفه و غبطه در موسم خود، و ابتیاع اقمشه از قرار تصدی ملک التجار و غیره تجاران و اهل خبرت و وقوف، و ملاحظه روزنامجات^{۲۱} اخراجات یومیه بیوتات از طعام و حاضری و آنچه به هر جهت در سرکارخاصه شریفه صرف شود و ملاحظه روزنامجات و به خط وزیربیوتات و مشرفان هرکارخانه قلمی شده باشد و مشخص نمودن باقی و فاضل^{۲۲} هر یک از صاحب جمعان و مؤدیان بیوتات، و تعیین محصل به جهت وصل

اداری و به دستور او به رشته تحریر درآورد، در فصل ششم از باب دوم این کتاب زیرعنوان «در بیان تفصیل شغل عالیجاه ناظر بیوتات» می‌نویسد: «... و شغل مشارالیه آن است که در اول سال تعلیقه^۶ می‌نوشت که مشرف بیوتات اخراجات^۷ ششماهه سرکار خاصه شریفه^۸ را به محصلی احدی بعد از وضع باقی نقدی و جنسی و اجناس همه سالجات که از ولایات حسب الرقم مقرر بوده که انقاد شود^۹ به وقوف صاحب جمعان تخمیناً برآورد و وزیربیوتات در همان برآورد به خدمت اعتمادالدوله چیزی می‌نوشت و ناظر مهر می‌کرد که اخراجات ششماهه بیوتات سرکار خاصه را مشرفان به فلان مبلغ برآورد نموده‌اند. مقرر دارند که مقرب الخاقان صاحب جمع خزانه باهره وجه برآورد را از قرار قبوض الواصل مهمسازی^{۱۱} صاحب جمعان نماید و صاحب جمعان قبوض را به صاحب جمع خزانه سپرده، وجه بازیافت می‌نمودند... و پادشاه به هرکس انعام و خلعت شفقت کند، بایست سند آن به خط اعتمادالدوله و مهرناظربرسد... ناظرقدغن نماید که تحویلداران و عملة بیوتات مال رعیت و فقیران را نکشند^{۱۱} و نبرند و چیزی را بی‌رضای صاحب خریداری نکنند که بد دعائی^{۱۲} حاصل شود و قیمت موافق آنچه مشخص شده بدهند و هر قسم اخراجاتی که دربیوتات واقع شود، بدون اطلاع ناظر نباشد و احدی از غلامان و ملازمان پادشاه بدون تعلیقه ناظر از کارخانه جات چیزی نبرند و عالیجاه ناظر بیوتات ریش سفید و صاحب اختیار کل سی و سه کارخانه بیوتات معموره و ریش سفید صاحب جمعان است، حتی امیرآخورباشی^{۱۳} و جبادارباشی^{۱۴}» (میرزاسمیعا، ۱۳۶۸: ۹-۱۲).

مستمریات بیوتات به موجب تعلیقه خود با اوست و سالی یک مرتبه ملاحظه سان عمله بیوتات و تحقیق حضور و غیبت آنها را نموده... و همچنین تصدیق و تجویز موجب و همه ساله عمله و رسیدن به مطالب ایشان و موعد معین رخصت دادن که به اوطان خود رفته مراجعت نمایند و درباب تعیین و تغییر تبدیل عمله به خدمت اقدس عرض نمودن و تنبیه و بازخواست از آنها نسبت به مشارالیه دارد و رسانیدن خلاع فاخره هرکسی به نظر اقدس... و مقرر است که سالی یک بار ملاحظه عرض شتران سرکارخاصه شریفه نموده آنچه سقط شده باشد، تمغای آنها را به اتفاق ایشیک آقاسی باشی دیوان سوخته، سند اسقاط به مهتران و ساربانان دهد که مشرفان از آن قرار در روزنامجات عمل نمایند و سوختن تمغای اسب و استر با ناظران و امیرآخورباشی بوده» (میرزارفیع، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۸).

از توجه به مطالب تذکره الملک و دستور الملوک راجع به ناظر بیوتات این نکته حاصل می‌شود که این منصب علاوه بر مسؤولیت نظارت بر بیوتات سلطنتی و کارکنان آن، دارای مسؤولیت‌های دیگری هم بوده است، از جمله: ۱- مهر زدن بر خلعت‌هایی که شاه به افراد مختلف می‌داد؛ ۲- امیر آخور باشی که خود منصب مهمی بود، زیر دست وی بود؛ ۳- به تمامی کارکنان عمارات و باغات اصفهان و سایر ممالک محروسه، همچنین کارکنان حمام‌ها و یخچالها، با اجازه و صلاحدید وی پول داده می‌شد؛ ۴- فراهم کردن مایحتاج مسافرت‌های شاه؛ ۵- پیشکش‌ها و خلعت‌های افراد مختلف را وی به حضور شاه می‌آورد.

باید توجه نمود که صاحب جمع و مشرف که عهده- دار هر یک از بیوتات بودند، زبردست ناظر محسوب می- شدند (سیوری، ۱۳۸۴: ۱۶۴). البته، مشرف (بازرس) را همردیف و زیرنظر صاحب جمع ذکر کرده‌اند. ظاهراً رتبه صاحب جمع - که همه آنها را *اریاب التحویل*^{۳۳} نیز می‌نامیدند- مقداری بالاتر از مشرف بوده و درحقیقت، رؤسای کارگاهها همین صاحب جمعان بوده‌اند (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۱۲۲). مانند دیگر شعبات اداری دستگاه صفوی، اینجا نیز معاونان ناظر عبارت بودند از: وزیر و مستوفی (همان: ۹۱). ناظر بیوتات به یاری زبردستان خود خریداری احتیاجات دربار، از خوراک و پوشاک و آذوقه و تهیه لوازم آشپزخانه و آبدارخانه شاهی و ساختمان و تعمیر عمارات سلطنتی و رسیدگی و مراقبت در امور مربوط به ایلخی‌های شاه، را انجام داده یا نظارت می‌کرد. لباس‌های شخصی شاه و خلعت‌هایی که در مدت سال به اشخاص مختلف می‌داد، همه به وسیله ناظر تهیه می‌شد و هیچ‌گونه خرج درباری بی‌اجازه کتبی او میسر نبود. میرآخورباشی و جبا دارباشی و متصدیان آشپزخانه آبدارخانه و اصطبل و بیوتات و املاک شاهی همه تحت فرمان و اختیار او بودند. ناظر را به ترکی "گرک یراق" می‌گفتند که معنای آن یعنی فراهم کننده و پیشکار و مباشر (فلسفی، ۱۳۷۱: ۸۱۲). این شغل که در اختیار امرای قزلباش بود، به موازات تغییر سیاست سلاطین صفویه، از آنها گرفته شد و به خواجه سرایان مقربتر و مطیعتر واگذار گردید (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۹۱). در کتاب *فتوحات شاهی امینی* هروی از عنوان «خازنان گرک یراق بیوتات» نام برده شده است که شغل

شرایط متصدی این منصب آمده است: «و صاحب این خدمت باید در کمال محرمیت و امانت و دیانت و مهارت بوده، وقوف کاملی از هرگونه متاع و اجناس داشته باشد، که هرگاه بی وقوف بوده باشد، ممکن است که او را فریب داده، هر جنس را مقومین و گرک یراقان دو بالا قیمت نموده به سرکارخاصه شریفه مبیع نموده^{۲۶}، باعث نقصان مال دیوان بوده باشند و تاجیکان نیز مباشران این خدمت شده اند» (همان).

همچنین در مورد یک جنبه از وظایف ناظر بیوتات در دوره شاه عباس دوم گفته شده است که چون در این دوره، شاه به کالاهای اروپایی دلبسته بود و به همین خاطر تعداد زیادی از هنروران فرانسوی و هلندی - مانند زرگران و درودگران و ساعت سازان - به ایران آورده شدند و این افراد از طریق ناظر بیوتات ارتباط مستقیمی با شاه داشتند و در حقیقت آنها زیردست ناظر کار می کردند (لوفت، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

از جمله دیگر وظایف این منصب را ملا جلال منجم در تاریخ خودش ذکر می کند که عبارت بود از نظارت بر عملکرد قاضی اصفهان در نوشتن اسناد معاملات: «در غره جمادی الاخری [۱۰۰۵ه.ق.] اقامؤمن قاضی اصفهان را مقصود بیگ ناظر تخته کلاه کردند^{۲۷} به سبب آنکه در مبیعات^{۲۸} جانب رعیت ویژه مسکین را از دست داده، جانب دیوان گرفته بودند و اسناد موافق شرع شریف نوشته نشده بود» (منجم، ۱۳۶۶: ۱۵۲).

مها نمودن تدارکات و لسوازم مجالس و جشن‌ها مهمانی‌های مهم شاه هم گویا زیر نظر ناظر بیوتات صورت می گرفت (لاقل در دوره شاه صفی). از جمله در این مورد در کتاب خلد برین آمده است که در تدارک صفدر خان

آنها را تهیه ملزومات دربار مانند خوراک و لباس و غیره دانسته است (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۱۱-۲۱۲).

القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه اثر میرزا علی نقی نصیری اردوبادی دیگر منبع اداری این دوره است. این کتاب به احتمال قوی در اواخر دوره تسلط افغانها و در دستگاه حکومتی شاه تهماسب دوم نگاشته شده است. نسخه‌ای از این کتاب که به اهتمام یوسف رحیم لو چاپ شده، کامل نبوده و شامل مطالب از طبقه پنجم به بعد است. در این کتاب، مطالب منحصر به فردی درباره نام صاحب منصبان و القاب و مداخل و مواجب آنان و جایگاه آنان در مجلس شاه وجود دارد. در این کتاب، درباره شغل ناظر بیوتات آمده است: «شغل او بسیار خطیر و می باید در کمال محرمیت بوده، دلسوزی تمام در مال پادشاه داشته باشد و هر صبح و شام در درب دولتخانه همایون حاضر بوده، افراد روزنامجات بیوتات یوماً فیوماً به نظر و مهر او رسیده، بازخواستی که لازم باشد، به عمل آورد و مکرر عرض کارخانجات را ملاحظه نموده، نگذارد که از صاحب جمعان بیوتات و غیر هم تقلب و تصرفی در مالیات دیوانی به عمل آید و اوقات را چنانچه باید صرف مأکول و مشروب و ملبوس بندگان اشرف نموده، لمحهای^{۲۴} از خدمت شبانه روزی خود غافل نباشد. و دادن مواجب و همه ساله و ملازمت عملی بیوتات، تماماً موقوف به تجویز او بوده، بدون تصدیق ناظر، احدی از آن جماعت، ملازم نمی تواند شد و تنخواه مواجب خود را نمی تواند گرفت و کل صاحب جمعان بیوتات را باید به پای حساب آورده، چنانچه مالیات دیوانی را برطرف^{۲۵} نموده باشند، از ایشان بازیافت نماید» (نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۲۲). در این منبع درباره

مواجه نمی‌شویم، هرچند که در دوره قاجار مناصبی، چون "ریش سفید خلوت"، "وزیر حضور" و بعدها "وزیر دربار" وجود داشتند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۴۷۰-۴۷۱) که از جهاتی شباهت‌هایی میان آنها و ناظر بیوتات مشاهده می‌شود.

اسامی معروفترین ناظران بیوتات

باید توجه کرد که سرگذشت ناظران بیوتات و اقدامات آنها در این تحقیق مطمح نظر نبوده، این مطلب می‌تواند موضوع تحقیق مستقل دیگری باشد. با وجود این، برای آشنایی به ذکر نام معروفترین ناظران بیوتات دوره شاه عباس اول تا پایان صفویه اشاره می‌شود.

ملا جلال منجم در ذکر وقایع سال ۹۹۸ ه.ق. اشاره دارد: «در این ایام مقرب الحضرت الخاقانی مقصود بیگ قراچه داغی که به منصب داروغگی شترخان خاصه شریفه سرافراز بود، از بسیاری خدمات و کاردانی و جان سپاری به منصب نظارت کل بیوتات سرافراز شد.» (منجم، ۱۳۶۶: ۹۳). از جمله معروفترین ناظران بیوتات این دوره می‌توان به زمان بیگ اشاره کرد که در دوره شاه عباس اول و شاه صفی عهده دار این منصب بوده و در کنار آن، مناصب نظامی چون تقنگچی آقاسی و امیری خراسان را هم در مقاطعی برعهده داشت. البته، در منابع بیشتر شرح اقدامات نظامی و لشگرکشی‌های وی آمده است و جایگاه ناظری وی مورد غفلت قرار گرفته است. پس از وی: «حضرت ظل الهی [شاه صفی] در بیست و هفتم رجب این سال [۱۰۳۹ ه.ق.] حسین بیگ ولد زمان بیگ را به رتبه نظارت به جای والد سرافراز نموده...» (خواجگی

ایلچی: «حکم همایون [شاه صفی] به آیین و گل ریزان پل شاهی نافذ گردیده در اندک روزی آن جشن غریب و هنگامه عجیب به سرکاری حسین خان بیک ناظر بیوتات به اتمام رسید...» (واله قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۵۲).

مهمانداری از مهمانان والامقام هم از جمله وظایف ناظر بوده است: «محمدعلی بیک اصفهانی را که تشریف امتیاز منصب والای نظارت بیوتات در برداشت، به افسر اعتبار میهمانداری خان والاتبار [منظور ندر محمدخان، والی بلخ است] سربلند [کردند]» (همان: ۴۲۷).

لقاب این منصب هم چنین ذکر شده است: «نظارت و رفعت و اقبال پناه، عزت و اجلال دستگاه، عالیجاه مقرب الخاقانی، نظاماً للنظاره والرفعه و الاقبال فلان بیگ.» (نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۲۰) کل مداخل (درآمد) این منصب، نصف مداخل وزیراعظم بوده؛ یعنی سالی تخمیناً شش هزار تومان (همان: ۲۱). مکان نشستن ناظر بیوتات در مجالس شاه هم در طرف دست چپ شاه و پایین‌تر از قوللر آقاسی بوده است و اگر کنار تقنگچی آقاسی قرار می‌گرفت، پایین‌تر از او می‌نشست (همان: ۲۱).

همچنین از منصبی با عنوان "وزیر ناظر بیوتات" نام برده شده است که در حقیقت نوعی جانشین وی محسوب می‌شده است: «میرزا محسن ورزنه اصفهانی که وزیر زمان بیگ ناظر بیوتات و در اوقات سرداری خراسان و در آستان گردون شأن به نیابت وی منظور نظر تربیت و عنایت بود...» (واله قزوینی، ۱۳۸۰: ۱۷۱).

پس از سقوط صفویه با آن که بیوتات سلطنتی به اشکال دیگر (و محدودتری) به حیات خود ادامه دادند، اما با منصبی با گستره اختیارات و جایگاه ناظر بیوتات

نقش نظامی ناظر بیوتات

یک نکته قابل توجه در مورد ناظر بیوتات «جنبه نظامی» این منصب است. باید توجه کرد که اساساً عمده مناصب عصر صفوی کارکرد و وظایفی یکجانبه نداشته‌اند و هر کدام از آنها دارای جنبه‌های مختلفی بوده‌اند، که ناظر بیوتات هم از این مسأله مستثنا نبوده است؛ خصوصاً در دوره شاه عباس اول و شاه صفی که اشارات صریحی درباره کارکرد نظامی این منصب در مهمترین منابع آن دوره - تاریخ عالم آرای عباسی و خلاصه السیر - وجود دارد.

در تاریخ عالم آرای عباسی، تألیف اسکندر بیگ منشی در ذکر فتح بغداد در سال سی و هفتم جلوس شاه عباس آمده است: «فوجی از افواج قاهره و تفنگچیان رکاب اشرف به سرکردگی معتمدالخاقانی زمان بیک ناظر بیوتات بر سر ایشان تعیین شدند و مبارزان قلعه گشا از همه طرف مورچله‌ها^{۲۹} و سیبه‌ها^{۳۰} ترتیب داده، در تضييق محصوران سعی موفور و کوشش غیر محصور به ظهور می آوردند.» (منشی ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۶۶۵)؛ یا در ذکر رویدادهای سال چهلیم سلطنت شاه عباس اول، در جایی ذکر می کند: «چون بمسامع جلال رسید که از طرف حلب و شارع فلولوجه خزانه موفور و ذخیره و اسباب غیر محصور به اردوی رومیه می آید زمان بیک ناظر بیوتات را با گروهی از مبارزان به آن طرف فرستادند...» (همان: ۱۷۴۴)؛ یا در جای دیگری - پس از بازگشت سپاه صفوی از عراق عرب و قشلاق نمودن در مازندران - هم می آورد که شاه عباس: «...زمان بیک ناظر را سردار سه هزار تفنگچی گردانیده به جانب آذربایجان فرستادند که به قورچی باشی و عساکر آنجا ملحق گشته،

اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۰۶). در سال ۱۰۴۸ ه.ق. موقعی که حسین بیگ به حکومت استر آباد منصوب گردید، «محمد علی بیگ» که پیش از آن وزیر اصفهان بود، به منصب ناظر بیوتات رسید (همان: ۲۷۶؛ والیه قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۹۰). محمدعلی بیگ پس از به قدرت رسیدن شاه عباس دوم هم این منصب را حفظ کرد (والیه قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۸۷). به موازات تغییر سیاست سلاطین صفوی، شغل نظارت نیز از امرای قزلباش گرفته شده و به خواجه سرایان واگذار گردید. از جمله می توان به «ساروتقی» اشاره کرد که در زمان شاه صفی ناظر و عاقبت وزیر اعظم گردید (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۹۱). در سال ۱۰۶۰ ه.ق. پس از فوت محمد علی بیگ، محمدبیک معیارالممالک ولد مرحوم حسن بیک قیچاچی به این منصب رسید (والیه قزوینی، ۱۳۸۰: ۴۹۸). چهارسال بعد - ۱۰۶۴ ه.ق. که محمدبیک به منصب وزارت دیوان اعلی رسید، نظارت بیوتات به صفی قلی بیک غلام خاصه شریفه یساؤل صحبت مفوض شد (همان: ۵۲۴). از اینجا مشخص می شود که متصدیان منصب ناظران بیوتات غالباً افراد شایسته و لایقی بودند که از آن به عالیترین مرتبه دیوانسالاری صفوی - منصب وزارت - ترفیع می یافتند (مانند ساروتقی و محمد بیک).

در کتاب القاب و مواجب... هم از «محمود بیگ» نامی به عنوان متصدی این منصب یاد شده است که با توجه به زمان نگارش این کتاب، به احتمال قوی مربوط به دستگاه شاه طهماسب دوم بوده است (نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۲۱).

در انتظام امور سرحد بدانچه صلاح دین و دولت باشد، بعمل آورند» (همان: ۱۷۶۲).

در کتاب‌های خلاصه السیر (تاریخ روزگار شاه صفی صفوی) نوشته محمد معصوم بن خواجهگی اصفهانی و خلد برین نوشته محمد یوسف واله قزوینی هم در جاهای مختلف به جایگاه و نقش نظامی ناظر بیوتات اشاره شده است. از جمله در ذکر حوادث سال ۱۰۳۸ هـ.ق. خواجهگی اصفهانی اشاره می‌کند که هنگامی که اخبار اختلال امور خراسان به شاه رسید، وی زمان بیگ ناظر بیوتات را به سرداری آن ایالت تعیین نمود. نکته قابل توجه این است که در کنار عنوان ناظر بیوتات، خواجهگی عنوان "تفنگچی آقاسی" را هم برای وی ذکر می‌کند (خواجهگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۴۷). در چند صفحه بعد این کتاب آمده است: «چون نظارت پناه زمان بیگ ناظر و تفنگچی آقاسی را به واسطه سرداری و ضبط سرحدات آن مملکت به خراسان فرستادند، مشارالیه در مبدأ حال نسق قلاع نسا و درود و ابیورد و غیره نموده، متوجه مشهد مقدس گردید و در آن وقت ده هزار تفنگچی مهیا ساخته، به محافظت قلاع آن سرحد به قدر احتیاج کشیکچی و آذوقه تعیین فرمود» (همان: ۶۱). در جای دیگری در ذکر وقایع سال ۱۰۴۴ هـ.ق. در مورد حسین بیگ ناظر - جانشین زمان بیگ - آورده است: «حسین بیگ ناظر را مقرر داشتند که در آن توپخانه آنچه لازمه سعی است به عمل آورد. حسین بیگ مومی الیه با امرای جانسپار که اسم ایشان نوشته شد، در تخریب آن باره آسمان کردار کمر اجتهاد بر میان بسته داد مردانگی می دادند و آن خدمت را عطیه عظیمی دانسته، در سیبه ساختن و توپ انداختن دقیقه [ای] فوت و فرو گذاشت

نمی‌کردند» (همان: ۲۱۵). واله قزوینی در مورد حسین بیگ ناظر آورده است: «[شاه صفی] مقرر فرمود که حسین بیگ ناظر بیوتات چند قبضه توپ قلعه گشا از معموره جنت نشان دارالسلطنه اصفهان به تسخیر قلعه ایروان حاضر سازد» (واله قزوینی، ۱۳۸۰: ۲۲۴).

در مورد کارکنان و اصطلاحاً عملاً بیوتات سلطنتی هم به نقش و وظایف نظامی آنها اشاراتی شده است. البته، حدسی که در این رابطه می‌توان زد، این نکته است که در اینجا بیشتر کارکنان بیوتات نظامی، مانند توپخانه و قورخانه مد نظر هستند و بعید است که کارکنان بخش‌هایی مانند خزانه و آبدارخانه و قهوه خانه و... در جنگها دارای وظایف نظامی بوده باشند. در تاریخ عالم آرای عباسی در ذکر وقایع سال هیجدهم سلطنت آمده است: «و از طرف شرقی ملازمان خاصه شریفه و آقایان بیوتات و تفنگچیان تبریزی و بافقی و غیر هم هجوم نموده به [دروازه] شیرحاجی درآمدند و حارسان شیرحاجی سراسیمه وار دست از محاربه بازداشته بقلعه گریختند» (منشی ترکمان: ۱۳۸۷: ۶۵۴). در حوادث سال سی و یکم سلطنت هم بیان می‌کند که همواره مکنون خاطر شاه این بود که شاگرد پیشگان عمله بیوتات در گرفتن مواجب همه ساله از محل معین، همردیف عساکر منصوره ملازمان رکاب اشرف باشند (همان: ۹۲۴). همچنین در سطور آغازین بیان سال چهارم سلطنت، اسکندربیگ بیان می‌کند: «و دفعه دیگر دو هزار نفر از آقایان بیوتات و مقربان درگاه و امثال ذلک به سرکردگی محمدقلی بیگ جلودار باشی چغتای فرستادند که به سپاه منقلای پیوسته...» (همان، ۱۳۷۷: ۱۷۳۷).

ناظر بیوتات در سفرنامه‌ها

در بیشتر سفرنامه‌هایی که از دوره شاه عباس اول تا انقراض صفویه در مورد این سلسله نوشته شده‌اند، به این منصب هم اشاراتی رفته، که در اینجا به آنها توجه شده است.

دن گارسیا دسیلوا فیگوتروا^{۳۱} نجیب زاده اسپانیایی که در دوره شاه عباس اول به ایران سفر کرد، در سفرنامه نسبتاً مفصلش، تنها اشاره کوتاهی به این موضوع دارد: «حسن بیگ، رئیس بیوتات سلطنتی که بسیار مورد علاقه شاه است و مأمور جابه جا کردن و پذیرایی از سفیر بود» (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۲۶۰). از این جمله، علاوه بر این که با نام یکی از ناظران آن دوره آشنا می‌شویم، متوجه یکی از وظایف ناظر هم می‌شویم که پذیرایی و رسیدگی به امور تشریفاتی مربوط به سفرای بیگانه بوده است.

آدام اولتاریوس منشی و مشاور هیأتی آلمانی بود که از جانب دوک هولشتاین در دوره شاه صفی به ایران آمد و مشاهدات شخصی خود را طی سفرنامه‌ای به رشته تحریر در آورد که قسمت مهمی از آن درباره ایران است. وی در بخش «مقامات مهم دولتی و درباری ایران» راجع به منصب ناظر بیوتات آورده است: «ناظر که کلیه خریدهای دربار سلطنتی به وسیله و زیر نظر او انجام می‌شود، این مقام را زمان بیک عهده دار است و دهقانزاده ای از اهل کاشان است» (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۷۴۹).

شاردن، جهانگردی فرانسوی بود که در عصر شاه عباس دوم و شاه سلیمان به ایران سفر کرد و سفرنامه‌ای مفصل درباره ایران نوشت. این سفرنامه که دایره المعارفی درباره فرهنگ و تمدن ایران در عصر صفوی

است، یکی از بهترین و مفصلترین سفرنامه‌هایی است که توسط اروپاییان - در کل اعصار - درباره ایران نوشته شده است. جلد هشتم این سفرنامه (ترجمه محمدعباسی) درباره حکومت و دولت، سازمان سیاسی و نظامی و اجتماعی دوره صفویه و مشاغل و مناصب و حرامسرای این دوره است.

شاردن نخستین شغل دربار را این منصب می‌داند و از آن با عنوان ناظر کل هم یاد می‌کند. ناظر کلمه‌ای عربی است که از «نظره» به معنی نگاه و دید و مشاهده می‌آید. بنابراین، ناظر را برحسب معنی کلمه، می‌توان «مراقب» نام نهاد (شاردن، ۱۳۴۵: ج ۸: ۲۴۰). شاردن وظایف ناظر را چنین برمی‌شمرد: «[۱] ناظر، اولین مأمور یا عامل مخصوص شاه و پیشکار کل امور مالی وی و اقتصاددان بزرگ خالصه و عواید و اموال منقول و غیر منقول پادشاه است...وظیفه اصلی وی عبارت است از رسیدگی مخصوص به کلیه ابواب لجمعی شاه؛ یعنی مخارج قصر، سفره داران، جامه داران، حقوق نوکران و مستمریها. [۲] ناظر، مباشر کارخانه‌ها و کارگاه‌های شاه و محصولات آنهاست و رئیس همه افرادی است، که چه در علوم و چه در هنر، و چه در امور فنی، از شاه موجب می‌گیرند. [۳] امور بیگانگانی که برای کارهای غیردولتی به ایران می‌روند، در اختیار اوست. فی الجمله امور همه اروپاییانی که در ایران از راه دریا و خشکی تجارت می‌کنند... در قلمرو اختیارات ناظر است. [۴] وی مخارج کلیه سفیران را می‌پردازد و وسیله سکونت و مذاکرات و امور دیگر ایشان را فراهم می‌سازد. همچنین در مورد هدایایی که به دستور شاه باید به آنان تقدیم شود، نظارت می‌کند. [۵] ناظر مأموران جزء قصر را از کار بر می‌دارد و به جای آنان به میل خود مأموران دیگری می‌گمارد...

همچنین طبق گزارش ناظر، شاه معمولاً حقوق مأموران عالی رتبه قصر خود را تنظیم می‌کند، و آنان را ارتقا یا تنزل می‌دهد» (همان: ۲۴۱-۲۴۲).

به طور خلاصه، می‌توان گفت که ناظر روحی است که در سرپای پیکر بزرگ خدمتکاران و مأموران خانه شاه دمیده می‌شود و آنان رابه فعالیت وامی دارد. البته، ناظر بیوتات - مانند سایر مقامات - نمی‌تواند کاملاً به دلخواه خود عمل کند، زیرا مأمورانی از جانب شاه - از جمله وزیر و ارباب تحویل - برای مراقبت اعمالش وجود دارند، تا کاری به ضرر شاه انجام ندهد. اعتمادالدوله (وزیراعظم) در امور خالصه بازرس ناظر و ناظر در امور دولتی، بازرس اعتمادالدوله بوده است، و این جایگاه بالای ناظر رامی -

رساند؛ به گونه‌ای که شاردن در جایی از ناظر بیوتات با عنوان وزیر ذکر می‌کند: «این دو وزیر [اعتمادالدوله و ناظر بیوتات] اولین و نیرومندترین شخصیت‌های ایران هستند» (همان: ۲۴۲-۲۴۳). می‌توان نتیجه گرفت که ناظر بیوتات جایگاهی شبیه به اعتمادالدوله در امور خالصه داشته است. ناظر علاوه بر سرپرستی بیوتات سلطنتی، نظارت بر همه مؤسسات وابسته به شاه، کاخ‌ها، باغ‌ها، عشرت خانه‌های بیلاقی و قصرهای قشلاقی را هم برعهده داشته است. ظاهراً وی جانشین و قائم مقامی با عنوان "سردار" داشته است (همان: ۲۴۴-۲۴۸).

انگلیبرت کمپفر، سیاحی آلمانی بود که در دوره شاه سلیمان صفوی به اصفهان مسافرت کرد. بیشتر مطالب سفرنامه او درباره مناصب و مقامات و دربار در دوره شاه سلیمان و اصفهان این دوره است. کمپفر بیشتر از جنبه اقتصادی این منصب را بررسی کرده است. از دیدگاه وی، ناظر در رأس کارکنان دربار قرار دارد. وی علاوه

بر سرپرستی بیوتات و تهیه خوراک و پوشاک دربار، مسؤل برگزاری مجالس سور و سرور شاه نیز هست. بنابراین، وظایف اداری سنگینی را برعهده دارد، اما همین کارها از طرف دیگر او را دارای درآمد زیادی کرده است؛ به طوری که می‌تواند واقعاً ایرانی؛ یعنی در ناز و نعمت فراوان زندگی کند. در این سفرنامه آمده است: «میزان درآمد ناظر یا کارکنان دیگر متنفاً دربار را به سهولت نمی‌توان معلوم کرد، زیرا آنها از محل یک درآمد معین زندگی نمی‌کنند، بلکه گذشته از حقوق عادی خود، عوایدی غیرقانونی و غیرقابل تخمین دارند که میزان آن بستگی دارد به طمع کارکنان و اهمیت موردی که باید حل و فصل شود... یکی از تکالیف ناظر آن است که سرپرست و پیشه ور برای کارگاههای سلطنتی تعیین کند، به آنها حقوق بدهد و میزان حقوق آنها را کم و زیاد کند، اما به هر حال، دادن تغییر در مزد بستگی دارد به موافقت شخص پادشاه، اما چون همه مقام‌ها و مشاغل درباری یک ساله است و همه از آینده خود در تردید هستند، پس جای شگفتی نیست که تمام دارندگان این مشاغل هنگامی که سال قراردادی استخدام آنها نزدیک به اتمام است، با مشت‌هایی پر از طلا به حضور ناظر روی آورند. یکی از ترس از دست دادن شغل و دیگری به امید دریافت اضافه مزد. از میزان مزدی که ناظر به آنها می‌دهد، قبلاً مبالغ معینی به عنوان حق الزحمه ناظر کسر شده است. حال هرگاه یکی از کارکنان دربار یا شاغلین کارگاه به یک شغل اداری منتقل شود، ناظر بدون اینکه هیچ حق قانونی داشته باشد، قسمت زیادی از حقوق وی را دریافت می‌کند. میزان عواید ناظر از طریق کسانی که عریضه‌ای یا تمنایی دارند، دریافت می-

را داراست. این منصب مطابق با رئیس دربار فرانسه است.» (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۵۷۲)

سانسون - از مبلغان مسیحی که در دوره شاه سلیمان برای تبلیغ مسیحیت به ایران آمده بود - در سفرنامه‌اش در این رابطه نوشته است: «ناظر اولین خوان سالار خانه شاه است. او تمام لوازم و موادی را که برای غذای شاه ضرورت دارد و شاه در داخل یا خارج قصر مصرف می‌کند، تهیه می‌نماید و صورت مخارج آن را به اعتماد الدوله می‌دهد و او از خزانه بر می‌دارد و به ناظر می‌دهد. ناظر چهل خوان سالار یا ناظر دیگر در اختیار دارد و همچنین، بر تمام صاحب منصبانی که تهیه غذای شاه بر عهده آنها می‌باشد یا در مهمانیها وسایل غذا را فراهم می‌کنند، ریاست دارد» (سانسون، ۱۳۴۶: ۵۱). در حقیقت، توجه سانسون در سفرنامه‌اش به یک جانب از وظایف ناظر بیوتات بوده و به سایر جوانب آن توجهی نداشته است.

نگاهی به بیوتات سلطنتی

این بیوتات را به طور خلاصه می‌توان کارگاه‌هایی دانست که لوازم و کالاهای مورد نیاز دربار و تشکیلات دولتی را تولید و فراهم می‌کردند که تا پایان دوره صفوی در اصفهان - برخی در داخل و برخی در خارج قصر - برقرار بوده است.

در دانشنامه جهان اسلام درباره بیوتات سلطنتی آمده است: «سازمانهایی برای ارائه خدمات گوناگون به دستگاه سلطنت. واژه‌هایی چون کارخانه، اسباب و اثاث سلطنت گاهی معادل با بیوتات به کار رفته است. پسوند خانه نیز که همراه نام بسیاری از سازمانها به کار رفته، مانند توپخانه و فراشخانه، نشانه تعلق آن سازمان به بیوتات

شود. از آنچه گفته شد، باز هم خیلی بیشتر است. سهم اعظم این عواید از طرف حکام و سایر بزرگان مملکت که اغلب می‌خواهند دفع شر ناظر را بکنند، تأمین می‌شود، زیرا وی هر روز به حضور شاه شرفیاب می‌شود، فرصت‌های فراوانی پیدا می‌کند که با تعریف یا تقیح به کسی نفع یا ضرر برساند» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۹۷-۹۸۹).

در سایر سفرنامه‌های دوره شاه سلیمان هم اشاراتی به این منصب شده است (سفرنامه‌های کارری، تاورنیه و سانسون).

جملی کارری^{۳۳} جهانگرد ایتالیایی که در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی به ایران آمده، در مراسم تاجگذاری شاه سلطان حسین هم شرکت داشت، در بخشی از سفرنامه‌اش که درباره مناصب و مشاغل دربار ایران است، اشاره مختصری به این منصب دارد: «دومین مقام [دربار] متعلق به ناظر است. او به تمام خدماتی که نسبت به شاه به عمل می‌آید، نظارت می‌کند» (کارری، ۱۳۴۸: ۱۶۴). وی در بخش دیگری اشاره‌ای به قسمتی از بیوتات سلطنتی دارد: «درست در مقابل در مطبخ، ساختمان بزرگی بنا شده که صنعتگران مختلف زیادی در آن مشغول کار هستند. در این میان، عده‌ای صنعتگر فرانسوی نیز برای شاه کار می‌کنند» (کارری، ۱۳۴۸: ۸۰) که از این توصیف این نتیجه به دست می‌آید که در بیوتات - و لاقلاً در بخشی از آنها - کارکنان خارجی هم وجود داشته‌اند.

در سفرنامه ژان باتیست تاورنیه هم درباره این منصب آمده است: «ناظر بمعنی بینا، ریاست و نظارت تمام بیوتات سلطنتی و املاک خاصه و ایلخی‌های پادشاه

است... بیوتات شامل سازمانهای متنوعی، از قبیل: آبدارخانه، فراشخانه، خیاطخانه و جز آنها بود که کاملاً جنبه خانگی و خدماتی داشتند؛ توپخانه، قورخانه و اسلحه خانه که جنبه نظامی داشتند؛ شُعبافخانه که جنبه تولیدی و صنعتی داشت؛ طشتخانه که اداره‌ای برای اجرای مراسم تشریفاتی بود؛ همچنین ضرابخانه و خزانه که با امور مالی ارتباط داشت و بسیاری از سازمانهای دیگر که موظف به تأمین نیازهای دستگاه سلطنت بودند» (حداد عادل، ۱۳۸۰: ۳۱۷-۳۱۸).

در دایره المعارف بزرگ اسلامی هم درباره بیوتات سلطنتی آمده است: «مجموعه‌ای از سازمانها، کارخانه‌ها، کارگاهها و واحدهای خدماتی که وظیفه آنها تهیه حواج و ملزومات مورد نیاز دربار پادشاهان بود. این تعبیر به این مفهوم که تبدیل به اصطلاحی خاص شده بود، از اوایل عهد صفوی رواج یافت و وارد ادبیات دیوانی گردید؛ در حالی که بیوتات در دوره‌های پیشین، ظاهراً معانی متفاوت و محدودتری داشته است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۴۶۹). در حقیقت، نهاد بیوتات را باید بیشتر به عنوان نهاد و سازمانی متعلق به دوره صفویه - که البته دوره رواج و شکوفایی آن از دوره عباس اول به بعد است - به حساب آورد. در ادوار قبل - دوره‌های ایلخانی و تیموری - و بعد - زندیه و افشاریه - سازمانی مشابه (البته، با تفاوت‌هایی و به شکلی بسیار محدودتر) وجود داشت که بیشتر با نام "کارخانه" در منابع از آن یاد شده است.

به هر حال، باید توجه نمود که تحقیق مفصل و جامع درباره این کارگاهها از حوصله این تحقیق خارج است و در اینجا، تنها اشاراتی به نام آنها و نظام مترقی و سودمند

آنها می‌شود. تعداد این بیوتات در منابع مختلف از ۳۲ تا ۵۰ ذکر شده است، اما با مطالعه شرح آنها به نظر می‌رسد که عدد ۳۳ (یا ۳۴) صحیحتر باشد. مینورسکی که تحقیقات ارزنده‌ای درباره دیوانسالاری دوره صفوی انجام داده است، این کارگاهها را چنین نام می‌برد:

- ۱- **خزانه** (که خزانه دار صاحب جمع^{۳۳} آن است)؛ ۲-
- ضرابخانه** (که ضراب باشی صاحب جمع آن بوده است. وی باید بر کار ضرابان نظارت می‌کرد که در کار سکه سازی خیانتی نکنند و همچنین در جای دیگری به غیراز ضرابخانه عمل سکه سازی صورت نگیرد)؛ ۳- **صراف خانه** (صراف باشی در رأس آن قرار داشت که مسؤول ارزیابی عیار مسکوکاتی بوده است که به خزانه تحویل داده می‌شده است)؛ ۴- **زرگرخانه** (که زرگرباشی سرپرست آن بوده و زیر نظروی بوده که ساخت ظروف طلا و نقره اهل حرم صورت می‌گرفته است)؛ ۵-
- مسگرخانه** (صاحب جمع آن مسگرباشی بوده است. شغل او این بوده که ظروف طلا و نقره و مسینی که در دربار لازم بوده، تحت نظر وی ساخته می‌شده‌اند)؛ ۶- **قورخانه** (که جباخانه هم گفته می‌شد و جبادارباشی در رأس آن قرار داشت و در واقع، کارخانه مرکزی ساخت اسلحه کشور بوده است)؛ ۷- **توپخانه** (که ساخت و تدارک توپها در آن صورت می‌گرفته است)؛ ۸- **مطبخ** (که توشمال باشی در رأس آن بوده و در واقع خوانسالارعالی شاه ایران بوده است)؛ ۹- **غانات** (دایره‌ای بوده که گاو و گوسفند و یا گوشت اینها را برای مصرف دستگاه سلطنتی فراهم می‌کرده و سلاخ باشی در رأس آن قرار داشته است)؛ ۱۰-
- میوه خانه** (به سرپرستی یمیشچی باشی، مسؤولیت فراهم

کردن میوه دربار در تمام فصول را برعهده داشته است)؛
 ۱۱- **حویج خانه**^{۳۴} (که حویج دارباشی صاحب جمع آن بوده و مواد خوراکی و لوازم آشپزخانه را مهیا و نگهداری می کرده است)؛ ۱۲- **آبدارخانه** (آبدارباشی مسؤل آن بوده و تنگها و جامهای آبخوری گرانههای دربار را وی نگهداری می کرده است)؛ ۱۳- **سقاخانه** (که سقاباشی در رأس آن قرار داشته و در این بخش آشامیدنی های گرم و خنک تهیه می شده است)؛ ۱۴- **ایاغخانه** (که در واقع می توان آن را چینی کاسه خانه هم نام نهاد و صاحب جمع ایاغخانه، ضبط و محافظت ظروف و اسباب مطبخ را برعهده داشته است)؛ ۱۵- **شربت خانه** (صاحب جمع شربت خانه به مهیاکردن شربت برای دستگاه سلطنتی می پرداخته و ظروف آن هم در اختیار وی بوده است)؛ ۱۶- **شربت خانه غانات**؛ ۱۷- **قهوه خانه** (که صاحب جمع آن مسؤل تهیه قهوه و نگهداری ظروف آن بوده است)؛ ۱۸- **شیره خانه** (که صاحب جمع آن شیره چی باشی بوده که مأمور تهیه و نگهداری شراب دربار بوده است)؛ ۱۹- **عطارخانه** (که درواقع داروخانه سلطنتی بوده است. عطارباشی مسؤل آن بوده که وی به ساخت دارو می پرداخته است)؛ ۲۰- **قیجاجیخانه خاصه** (خیاط خانه سلطنتی بوده است که به تهیه البسه شاه و اهل حرم می پرداخته است. در رأس آن قیجاجی باشی قرار داشته است)؛ ۲۱- **قیجاجیخانه امرائی** (در این بخش خلعت هایی که به حکام و وزراء و امثالهم داده می شد، فراهم می شده است)؛ ۲۲- **رکابخانه** (صاحب جمع آن را مهتر رکابخانه می گفته اند. رکابخانه درواقع محل نگهداری پوشاک و جامه خانه دربار بوده است)؛ ۲۳- **شعربافخانه**

(کارگاهی بوده که در آن پارچه می بافته اند و صاحب جمع شعربافخانه در رأس آن قرار داشته است)؛ ۲۴- **فراشخانه** (فراشان، خادمان و پیش خدمتان قصرشاهی بوده اند و فراش باشی در رأس آنها قرار داشته است)؛ ۲۵- **مشعل خانه** (مشعل دارباشی در رأس آن قرار داشته که وظیفه اصلی وی تأمین روشنایی و حرارت دربار بوده است)؛ ۲۶- **همه خانه** (محل نگهداری هیزم بوده و آذونچی باشی در رأس آن بوده است)؛ ۲۷- **عمارات مبارکات** (که تحویل داری در رأس آن بوده که درواقع رئیس بازرسان کلیه عمارات متعلق به شاه و خانه های اصفهان بوده است)؛ ۲۸- **کتابخانه** (که کتابدارباشی در رأس آن قرار داشته است)؛ ۲۹- **نقاشخانه** (که نقاش باشی در رأس آن قرار داشته است)؛ ۳۰- **طوایب واصطبل** (آنچه از اسب و استرو الاغ که در سرکار بوده باشد، تحویل صاحب جمع اصطبل می شده است. این منصب نباید با امیرآخورباشی اشتباه شود)؛ ۳۱- **انبار** (آنچه خوراک چارپایان و وسایل آنها بوده، مانند جو و گاه و یونجه و سطل و نعل و میخ و توبره و... در اینجا نگهداری می شده و انباردارباشی مسؤل آن بوده است)؛ ۳۲- **زینخانه** (محل نگهداری زین اسبان)؛ ۳۳- **شترخانه** (طویله شتران)؛ ۳۴- **قوشخانه** (محل نگهداری مرغها، که مرغخانه و طاوقخانه هم نام داشته و طاوقچی باشی در رأس آن قرار داشته است). علاوه براینها، از محل های دیگری هم در منابع نام برده شده است، مانند چورک خانه (نانوایی دربار)، حلواجی خانه (شیرینی پزخانه)، ترشی خانه و... که به احتمال زیاد در زیر مجموعه بیوتات اصلی قرار داشته اند (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۱۲۴-۱۳۳؛ میرزاسمیعا،

۱۳۶۸: ۲۸-۳۴؛ میرزافیعا، ۱۳۸۱: ۱۱۲-۱۱۸؛ انوری، ۱۳۸۱: صص مختلف).

ساختار کلی بیوتات (کارگاه‌های) سلطنتی در دوره صفویه و منافع آنها

این کارگاه‌های سلطنتی برای شاه منافع زیادی داشتند. آنها نه تنها اجناسی چون منسوجات و قالی برای دربار تولید می‌کردند، بلکه ابریشم و منسوجات نفیس را به اروپا و هند صادر می‌کردند و منافع حاصله را در اختیار شاه قرار می‌دادند (سیوری، ۱۳۸۴: ۱۶۴). درست است که بسیاری از کارگاه‌های سلطنتی نظیر مطبخ‌ها، اصطبل‌ها، آغل‌ها و...، صرفاً همان چیزهایی بود که «بخش‌های داخلی» خوانده می‌شد، اما برخی از آنها به راستی چون «کارگاه‌های تولیدی دولتی» کار می‌کردند و به طور کلی، این کارگاه‌ها (بیوتات) حدود پنج هزار نفر از صنعتگر و هنرمند را در استخدام داشتند و در ترقی کلی اقتصاد این دوره سهمی عمده ایفا کردند (سیوری، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

کارگران کارگاه‌های سلطنتی طبقه‌ای ممتاز از پیشه‌وران بودند. علاوه بر مواجب که مبلغ آن در قرارداد استخدام معین می‌شد و هر سه سال یک بار افزایش می‌یافت، هر کارگر جیره‌ای به شکل یک چهارم، یک دوم یا یک پیمانه (قاب) دریافت می‌کرد. یک پیمانه شامل همه چیزهایی بود که برای گذران زندگی لازم است و برای تغذیه ۶-۷ نفر کفایت می‌کرد. کارگران در صورت تمایل می‌توانستند به جای جیره، پول نقد دریافت کنند. ارزش پول جیره در حدود بیست تومان بود و در واقع، اضافه درآمد قابل توجهی محسوب می‌شد. به علاوه، به کارگران بسیار کوشا هدایایی داده می‌شد و گاه کارگران به جای اضافه دستمزد سه سال یک بار، هدیه‌ای که بالغ

بر حقوق یک سال می‌شد، دریافت می‌کردند. کارگرانی که در کارگاه‌های سلطنتی کار می‌کردند، از امنیت کامل شغلی برخوردار بودند. آنان مادام‌العمر در استخدام نگه داشته می‌شدند و هرگز اخراج نمی‌شدند و اطبا و داروسازان دربار آنان را رایگان درمان می‌کردند. این کارگران چه سفارش ساخت کالایی از شاه دریافت می‌کردند و چه دریافت نمی‌کردند، نه تنها حقوقشان را می‌گرفتند، بلکه هیچ محدودیتی هم بر سر مقدار کاری که برای نفع شخصی خود انجام می‌دادند، وجود نداشت. به کارگران مرخصی هم داده می‌شد. فرزندان کارگران از سن ۱۲ تا ۱۵ سالگی به خدمت گرفته می‌شدند و پس از مرگ پدر حقوق وی را دریافت می‌کردند (همان: ۱۸۶).

از آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که بیوتات سلطنتی در آن زمان از ساختاری مترقی و پیشرفته در زمینه‌های اقتصادی و رفاهی برخوردار بوده و کارکردن در آنها، به دلیل امتیازات فراوانی که داشته، بی‌شک آرزوی بسیاری بوده است.

نتیجه

ناظر بیوتات - از مناصب ابداعی صفویان - بی‌تردید، یکی از مهمترین مناصب این دوره بوده است؛ به گونه‌ای که از آن با عناوینی چون رئیس دربار و ناظر کل دستگاه سلطنتی نام برده می‌شد. وی ظاهراً در امور خاصه جایگاهی شبیه به اعتمادالدوله داشته و در امور دولتی هم به نوعی بازرس وزیر بوده است. با آن که حیطة اصلی وظایف وی، سرپرستی بیوتات (کارگاه‌های سلطنتی) بوده، اما با توجه به منابع این دوره مشخص می‌شود که این مسؤولیت‌ها به هیچ وجه محدود به آن نبوده و گستره وسیعتری را شامل

که می‌توان وی را پس از اعتماد الدوله، عالیترین مقام دیوانسالاری صفوی به شمار آورد (البته، مناصب نظامی هم جایگاه ویژه خود را داشته‌اند).

در مورد زمان ایجاد این منصب هم می‌توان گفت که با بررسی منابع این دوره مشخص می‌شود که ناظر بیوتات از دوره اسماعیل اول پدید آمد و البته، از دوره عباس اول تا پایان دوره صفوی از مقامات عمده کشور بوده است. به هر حال، با قاطعیت می‌توان گفت که منصب ناظر بیوتات سلطنتی - با این عنوان و گستره اختیارات - از مختصات دوره صفوی است. درباره چرایی پدید آمدن این منصب هم می‌توان گفت که دوره صفوی به طور کلی، از دوره‌های خیز تاریخ ایران بوده که رونق و شکوفایی اقتصادی و امنیت و ترقی از مختصات مهم آن است و طبیعی است که در این دوره تأسیسات و نهادهایی که در این راستا بوده‌اند، از جایگاه والایی برخوردار بوده باشند که این مسأله در نهادی به نام بیوتات سلطنتی تبلور یافته است. روشن است که برای هماهنگی و کارکرد درست این نهاد، وجود منصبی که نظارت عالی بر آن داشته باشد، ضروری بود. در غیر این صورت، محتمل بود که هر یک از اجزای این نهاد با توجه به نزدیکی‌هایی که برخی از آنها از نظر کارکرد با همدیگر داشته‌اند، کارشان به تداخل و اختلال کشیده شود.

بیوتات (کارگاه‌های) سلطنتی به عنوان حوزه اصلی مسئولیت ناظر، در واقع لوازم و کالاهای مورد نیاز دربار و تشکیلات دولتی را تولید و فراهم می‌کرده‌اند که دارای حوزه‌های مختلفی بوده است، مانند امور مالی (خزانه، ضرابخانه و صرافخانه)؛ امور نظامی (قورخانه و توپخانه)؛ البسه (قیجاجیخانه، رکابخانه و شعرافخانه)؛ اماکن

می‌شده است که به طور خلاصه می‌توان آنها را چنین ذکر کرد: ۱- پیشکار کل امور مالی سلطنت و اقتصاددان بزرگ امور خلاصه جات؛ ۲- رسیدگی و راه اندازی امور همه بیگانگان سرشناسی که به ایران می‌آمدند؛ ۳- پرداخت مخارج و فراهم کردن سکونتگاه سفرایی که به ایران می‌آمدند؛ ۴- هنرمندان اروپایی مثل زرگران و ساعت سازان زبردست ناظر کار می‌کردند؛ ۵- مهر و تأیید انعام و خلعت‌های اهدایی پادشاه به افراد مختلف؛ ۶- امیر آخور باشی که از مناصب قابل توجه این دوره بوده است، تحت نظر و فرمان وی کار می‌کرد؛ ۷- بر همه مؤسسات و اماکن وابسته به شاه مانند کاخ‌ها، باغها، قصرها و عشرت‌خانه‌های ییلاقی نظارت داشته است؛ ۸- به تمامی کارکنان عمارات و باغات سلطنتی و ینچالها و حمامهای دولتی با اجازه وی پول داده می‌شده و به طور کلی، هیچ گونه خرج درباری بی اجازه کتبی وی میسر نبوده است؛ ۹- فراهم کردن مایحتاج سفر شاهی؛ ۱۰- پیشکش‌ها و خلعت‌هایی که برای شاه می‌آورده‌اند، وی به حضور شاه می‌برده است؛ ۱۱- مهمانداری از مهمانان والامقام شاه؛ ۱۲- نظارت بر عملکرد قاضی اصفهان در نوشتن اسناد معاملات؛ ۱۳- مهیا کردن تدارکات و لوازم مجالس و مهمانی‌های مهم شاه؛ ۱۴- عزل و نصب مأموران جزء قصر؛ ۱۵- پاره‌ای مأموریت‌های نظامی.

البته، به احتمال قوی همه این موارد مربوط به یک برهه نبوده، بلکه برخی از آنها مختص به ادواری خاص از دوره صفوی بوده‌اند؛ اما به هر حال توجه به این موارد اثبات می‌کند که ناظر بیوتات در دوره صفوی - به ویژه دوره شاه عباس اول تا پایان حیات این سلسله - از جایگاهی برجسته و بی بدیل برخوردار بوده؛ به گونه‌ای

(عمارات مبارکات، طوایل و اصطبل، هیمه خانه) و به ویژه مواد غذایی (مطبخ، غانات، سقاخانه، شربت خانه، شیرخانه و...). آنها از ساختاری پیشرفته و مرفعی برخوردار بوده و منافع زیادی را عاید حکومت صفوی می‌کرده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که بیوتات سلطنتی و منصب ناظر بیوتات، نقش درخور توجهی در اعتلای دولت صفوی داشته است، به ویژه از آن جهت که با آن تشکیلات گسترده و ساختار پیشرفته، از نمادهای رشد و شکوفایی آن دوره بوده است؛ هرچند محتمل است که در اواخر دوره صفوی با افول همه تشکیلات و حوزه‌های مختلف دولت صفوی، این تشکیلات هم از آن بی‌تأثیر نبوده باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Vincentio dalessandri

۲. در منابع این دوره ناظر بیوتات گاهی با عنوان ناظر هم ذکر شده است.
۳. صندوق خانه در این دوره، محل صندوق های پول و اشیای نفیس دربار بوده که تهیه لوازمی مانند خلعت، نشان و مانند آنها از آنجا تأمین می‌شده است.
۴. جباخانه یا قورخانه، محل ساخت و نگهداری ابزار و آلات جنگی در این دوره (انوری، ۱۳۸۱: ج ۳، ۲۰۹۸). همچنین با نگاه به منابع مشخص می‌شود که جباخانه یکی از بیوتات سلطنتی بوده است. احتمالاً به خاطر اهمیت آن به صورت مجزا در برخی از منابع ذکر گردیده است.
۵. ایلخی: گله اسب و شتر (همان: ج ۱: ۶۹۰).
۶. تعلیقه: حکم (همان: ج ۳: ۱۷۹۳).

۷. اخراجات: هزینه‌ها، خرج‌ها و مخارج (همان: ج ۱: ۲۸۸).
۸. سرکار خاصه (شریفه): دستگاه سلطنت (همان: ج ۵: ۴۱۵۰).
۹. یعنی اجناس مقرری که همه ساله، بنا به دستور باید از ولایات فرستاده می‌شدند.
۱۰. مهمسازی (کردن): پرداخت کردن (همان: ج ۷: ۷۵۳۳).
۱۱. کشیدن در اینجا به معنای خالی کردن است. در حقیقت؛ یعنی صاحب شدن و مالک شدن به ناحق؛
۱۲. بددعایی: نفرین کردن (همان: ج ۲: ۸۵۴).
۱۳. امیرآخورباشی بر گله‌های اسب و شتر و استر سلطنتی نظارت می‌کرده است. وی جزو صاحب جمعان بیوتات نبوده است، بنابراین مشخص می‌شود که حیطة وظایف ناظر بیوتات فراتر از بیوتات سلطنتی و تعداد زیردستان وی فراتر از کارکنان بیوتات بوده است.
۱۴. جبادارباشی که در واقع صاحب جمع و رئیس یکی از بیوتات سلطنتی؛ یعنی جباخانه (قورخانه) بوده و احتمالاً به دلیل اهمیتش به طور مستقل در برخی منابع آورده شده است.
۱۵. یخچال: آب انبار سقفداری که در گذشته در زمستان قطعات یخ در آن انبار می‌کردند یا در آن آب می‌انداختند تا یخ بزند، برای مصرف تابستان (همان: ج ۸: ۸۵۱۸).
۱۶. بار دیگر مشخص می‌شود که زیردستان ناظر بیوتات منحصر به کارکنان بیوتات نبوده است.
۱۷. تنخواه: پولی که برای مصرف خاصی در نظر گرفته می‌شود (همان: ج ۳: ۱۹۱۳).
۱۸. سرانجام نمودن: تهیه و فراهم کردن (همان: ج ۵: ۴۱۰۸).

۳۳. صاحب جمع هر کارگاه، در واقع رئیس آن قسمت و نماینده ناظر بیوتات در آن بخش بوده است.
۳۴. حویج خانه مخفف حویج خانه بوده است.

منابع

۱. امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم. (۱۳۸۳). *فتوحات شاهی*، تصحیح و تعلیق از محمد رضا نصری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
۲. انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، ۸ جلد، تهران: سخن.
۳. اولناریوس، آدام. (۱۳۶۹). *سفرنامه آدام اولناریوس*، ج ۲، ترجمه حسین کردبچه، تهران: شرکت کتاب برای همه.
۴. تاورنیه، ژان بابتیست. (۱۳۶۳). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان: کتابفروشی تأیید و کتابخانه سنائی، چ سوم.
۵. حداد عادل، غلام علی. (۱۳۸۰). *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۵، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۶. خواجگی اصفهانی، محمد معصوم. (۱۳۶۸). *خلاصه السیر (تاریخ روزگار شاه صفی صفوی)*، تهران: علمی، چاپ دوم.
۷. سانسون، مارتین. (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون (وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)*، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.
۸. *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)* (۱۳۴۹). ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
۹. سیوری، راجر. (۱۳۸۳). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز چ دوازدهم.

۱۹. انفادیات: فرستاده‌ها. انفاد: فرستادن (همان: ج ۱: ۶۲۶).
۲۰. تسعیر نامجات: تسعیر نامه (ها). اوراقی که در آنها نرخ اجناس ثبت می شد (همان: ج ۳: ۱۷۳۳).
۲۱. روزنامه‌جات: روزنامه (ها). دفتری که خرید و فروش روزانه را در آن می نوشتند (همان: ج ۴: ۳۷۳۰).
۲۲. یعنی مشخص کردن افرادی که می توانند در خدمت باقی بمانند و افراد زیاده از حد نیاز (اخراج شده‌ها).
۲۳. ارباب التحویل: تحویلداران و مأموران حواله جات (همان: ج ۱: ۳۱۱).
۲۴. لمحہ (ای): لحظه (ای) (همان: ج ۷: ۶۴۳۹).
۲۵. برطرف نمودن: از بین بردن و نابود کردن (همان: ج ۲: ۹۱۴).
۲۶. منظور این است که اگر ناظر فردی بدون آگاهی باشد، قیمت گذاران و ارزیابان و کارپردازان مالی، هر کالایی را به قیمت بیشتر و غیر واقعی به حساب دستگاه سلطنتی می گذارند.
۲۷. تخته کلاه کردن: شکنجه کردن با تخته کلاه. تخته کلاه: کلاه چوبی بزرگ و سنگین و مضحکی که بر سر محکوم می گذاشتند؛ به طوری که قادر به حفظ تعادل خود نبود و او را در کوجه‌ها می گرداندند (همان: ج ۳: ۱۶۵۴).
۲۸. مبیعات: داد و ستدها (همان: ج ۷: ۶۵۹۲).
۲۹. مورچل: نقبی که دشمن به داخل قلعه حفر می کند. معمولاً برای ریختن مواد منفجره و تخریب دیوار قلعه (همان: ج ۷: ۷۴۷۱).
۳۰. سیبه: خندقی که در پناه آن می جنگند، سنگر (همان: ج ۵: ۴۳۵۷).

۳۱. Don Garcia De Dilva Figueroa

Gemelli Careri ۳۲

۱۰. _____ . (۱۳۸۰). در باب صفویان، ترجمه رمضان علی روح الهی، تهران: مرکز.
۱۱. _____ . (۱۳۸۴). نظام تشکیلاتی صفویان [مندرج در کتاب]: تاریخ ایران دوره صفویان، پژوهشی از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، چ دوم.
۱۲. شاردن، ژان. (۱۳۴۵). سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۸، تهران: امیرکبیر.
۱۳. عالم آرای شاه اسماعیل. (۱۳۴۹). به تصحیح اصغر منتظم صاحب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۴. فلسفی، نصرالله. (۱۳۷۱). زندگانی شاه عباس اول، ج ۲، تهران: علمی، چاپ پنجم.
۱۵. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا. (۱۳۶۳). سفرنامه فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
۱۶. کارری، جملی. (۱۳۴۸). سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
۱۷. کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: خوارزمی، چ دوم.
۱۸. لوفت، پاول. (۱۳۸۰). ایران در عهد شاه عباس دوم، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۱۹. منجم، ملاجلال الدین. (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف... و حید نیا، تهران: وحید.
۲۰. منشی ترکمان، اسکندر بیگ. (۱۳۸۷). تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۳، جلد (در دو کتاب)، به اهتمام ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، چ چهارم.
۲۱. _____ . (۱۳۷۷). تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۳، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
۲۲. موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۳). دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۳، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۳. میرزارفیع، محمدرفیع انصاری. (۱۳۸۱). دستورالملوک [مندرج در کتاب]: دفترتاریخ، ج ۱، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکترافشار.
۲۴. میرزاسمیعا. (۱۳۶۸). تذکره الملوک، به کوشش محمددبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر، چ دوم.
۲۵. مینورسکی، ولادمیر. (۱۳۶۸). سازمان اداری حکومت صفوی (تعلیقات بر تذکره الملوک)، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر، چ دوم.
۲۶. نصیری اردوبادی، میرزاعلی نقی. (۱۳۷۱). القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، تصحیح یوسف رحیم لو، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۷. والة قزوینی، محمدیوسف. (۱۳۸۰). ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم خلد برین)، تصحیح و توضیح از محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

برگ اشتراک

مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان

شرکت یا سازمان:

شخص:

نام و نام خانوادگی:

سن: جنس: مرد _ زن _

تحصیلات:

شغل:

آدرس پستی: استان:

شهر:

کد پستی (حتماً نوشته شود):

تلفن تماس: دورنویس:

متقاضی نشریه شماره: به تعداد هستم.

لطفاً مبلغ ۴۰۰۰۰ ریال بابت حق اشتراک هر سالانه، (تک شماره ۱۰۰۰۰ ریال) به حساب شماره ۲۱۷۷۲۴۰۲۳۸۰۰۲ کد ۱۱۰۲۲۷ بانک ملی دانشگاه اصفهان به نام درآمدهای اختصاصی دانشگاه اریز نموده، اصل حواله آن را به همراه فرم تکمیل شده به آدرس نشریه ارسال نمایید.

نشانی:

اصفهان - خیابان هزار جریب - دانشگاه اصفهان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دفتر نشریه پژوهش‌های

تاریخی، دانشگاه اصفهان، کدپستی ۸۱۷۴۴ تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۳۰۹۷ - ۰۳۱۱-۷۹۳۳۱۵۱ دورنویس:

سایت مجله: <http://uijs.ui.ac.ir/jhr>



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی